

Reception Ceremonies for Ambassadors at the Court of Fath Ali Shah Qajar

*Jafar Aghazadeh*¹
*Shabnam Mousa Nasab*²

During the reign of Fath Ali Shah Qajar, Iran became a focal point for European countries, resulting in frequent visits by representatives and official ambassadors from these nations as well as neighboring states to the Qajar court. These extensive relations led to the implementation of specific protocols and ceremonies for welcoming, accommodating, and receiving ambassadors at Fath Ali Shah's court. Some of these practices were derived from Iranian court traditions, while others were adapted to meet the demands of the time. This descriptive-analytical study aims to examine the ceremonies and protocols associated with receiving foreign ambassadors at the court of Fath Ali Shah Qajar, addressing the question of what protocols were observed and how these were influenced by external factors. The findings indicate that during the reign of Agha Mohammad Khan Qajar, there were no specific protocols or ceremonies for welcoming ambassadors. However, the courtiers of Fath Ali Shah, recognizing the necessity of managing foreign relations and the king's penchant for elaborate court ceremonies, adapted and expanded upon existing Iranian court reception protocols to create lengthy and complex ceremonies for welcoming and receiving foreign ambassadors. These ceremonies were designed to both fulfill diplomatic obligations and showcase the grandeur and magnificence of the Iranian monarchy to foreign representatives. Nevertheless, the intervention of colonial powers led to alterations in traditional reception practices.

▪ **Keywords:**

Iran, Qajar, Fath Ali Shah, court, ambassadors, reception ceremonies.

¹. Department of History, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil- Iran (Corresponding Author) j.agazadeh@uma.ac.ir

². M.A. in History, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil- Iran shabnammoosanasab@gmail.com



تشریفات پذیرش سفرا در دربار فتحعلی شاه قاجار

جعفر آقازاده^۱

شبنم موسی‌نسب^۲

چکیده

ایران در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار در کانون توجه کشورهای اروپایی قرار گرفت و این مسئله باعث رفت‌وآمد مکرر نمایندگان و سفرای رسمی آن دولت‌ها و همچنین ممالک همجوار به دربار قاجار شد. این روابط گسترده سبب به کارگیری آداب و تشریفات ویژه‌ای برای استقبال، اقامت و پذیرش سفرا در دربار فتحعلی شاه گردید که بخشی از آن، برگرفته از سنت‌های دربار ایران و بخشی نیز با توجه به مقتضیات زمان وضع می‌شد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی تشریفات و آداب پذیرش سفیران کشورهای خارجی در دربار فتحعلی شاه قاجار انجام شده است و به این سؤال پاسخ می‌دهد که چه تشریفات برای پذیرش سفرای خارجی در دربار فتحعلی شاه قاجار رعایت می‌شد و تغییرات آن تحت تأثیر چه عواملی بود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره آقا محمدخان قاجار، تشریفات و آداب خاصی برای استقبال از سفرا وجود نداشت، اما درباریان فتحعلی شاه با توجه به ضرورت مدیریت مناسبات خارجی کشور و علاقه این پادشاه به تشریفات مجلل و مطول درباری با بهره‌گیری از آداب و رسوم باریابی دربار ایرانی و مقتضیات زمانه، تشریفات و آداب پرطول و عریضی برای استقبال و پذیرش سفرای کشورهای خارجی به کار بستند تا ضمن اجرای آداب دیپلماتیک، عظمت و شکوه پادشاهی ایران را به نمایندگان کشورهای خارجی نشان بدهند. اما مداخله قدرت‌های استعماری در عرصه تشریفات، باعث تغییراتی در شیوه‌های سنتی استقبال شد.

واژگان کلیدی:

ایران، قاجار، فتحعلی شاه، دربار، سفرا، تشریفات پذیرش.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

^۱ گروه تاریخ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل - ایران (نویسنده مسئول) j.agazadeh@uma.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل - ایران shabnammoosanasab@gmail.com



مقدمه

طی دوره فتحعلی شاه با توجه به گسترش روابط رسمی ایران با دولت‌های خارجی، استقبال و پذیرش نمایندگان آن کشورها از اهمیت به‌سزایی برخوردار شد؛ زیرا که گسترش مناسبات خارجی مستلزم آداب و تشریفات مخصوص به خود بود و لزوم برقراری سازمان‌ها و تشریفات خاص را در قبال مأموران خارجی طلب می‌کرد. در این دوره، به‌رغم اینکه وزارت خارجه به معنای واقعی آن شکل نگرفته بود، تشریفات دیپلماتیک حضور نمایندگان خارجی به حضور شاه با دستورالعمل‌هایی از سوی شاه و با تعیین مهماندار و هیئت میزبان برای آنها رعایت می‌شد. قاجارها همه سفرا و نمایندگان خارجی از هر مقام و رتبه را ایلچی می‌نامیدند و برای همه آنها به‌صورت واحد، مراتب تشریفات را به عمل می‌آوردند. این رفتار ایرانیان گرچه صورتی مهمان‌نوازانه داشت، اما در نظر خارجی‌ها پذیرش همه نمایندگان با تشریفات یکسان به منزله بی‌توجهی به مقام و منزلت آنها بود که در بیشتر مواقع سبب بروز اختلاف می‌شد.

تشریفات دیپلماتیک در این دوره از اسلوب و اساس مشخصی برخوردار نبود و برگرفته از آیین‌های چند هزار ساله درباری و خواست و سلايق سفرای مهمان بود. عدم آشنایی دربار ایران با نظام تشریفات بین‌الملل در این دوره باعث شده بود که دولت ایران بدون در نظر گرفتن اصول خاصی، جوانب رضایت سفیر را فراهم سازد. فتحعلی شاه قاجار ضمن ترتیب مراسم سلام درباری که برای رسیدگی به امور مردم و کشور ترتیب داده می‌شد، با تشریفات مجلل و به همراه نشانه‌های سلطنتی، تلاشی آگاهانه را برای نمایش قدرت سلطنتی قاجارها آغاز کرد که برای مخاطبان داخلی سلام، یادآور پیروزی‌های نهایی سلسله قاجار بر سلسله‌هایی بود که تاریخ‌نگاران قاجاری از آنها با عنوان غاصبان حق قانونی سلطنت یاد می‌کردند و برای قدرت‌های خارجی این نکته را تداعی می‌کرد که ثبات و استمرار سیاسی در ایران برقرار شده است. چگونگی و جزئیات استقبال از سفرا و حضور آنها در دربار فتحعلی شاه قاجار موضوع پژوهش حاضر است. این مطالعه به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه تشریفات برای پذیرش سفرای خارجی در دربار فتحعلی شاه رعایت می‌شد و تغییرات آن تحت تأثیر چه عواملی بود؟

تاکنون در باره موضوع مورد مطالعه، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، باین‌حال، برخی پژوهش‌ها، نگاهی گذرا به بعضی از بخش‌های این پژوهش داشته است؛ جعفر آقازاده و شب‌نم موسی‌نسب (۱۴۰۳) در مقاله "آداب و تشریفات باریابی در دربار فتحعلی شاه قاجار"، عوامل مؤثر در شکل‌گیری تشریفات درباری، مناصب درباری و مراسم سلام عام و خاص را بررسی

کرده‌اند، اما در این میان به نحوه پذیرش سفرا اشاره مختصری کرده‌اند. سید مسعود سید بنکدار و مهناز کمالوند (۱۴۰۰) در کتاب "بررسی نظام تشریفات و آداب دیپلماتیک در ایران عصر قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ق.)" ضمن پرداختن به بخش‌هایی نظیر تاریخچه تشریفات، تشکیلات دیپلماتیک، مبانی نظری نظام تشریفات، تشریفات و آداب دیپلماتیک در کل دوره قاجار، اشاره‌ای مختصر نیز به برخی از آداب پذیرش سفرا در دربار فتحعلی شاه داشته‌اند. پیتر آوری و همکاران (۱۳۸۸) در کتاب "تاریخ ایران (دوره افشار، زند و قاجار) از مجموعه تاریخ کمبریج، نگاهی گذرا به پذیرش سفرا از طرف فتحعلی شاه قاجار و گفتگوهای وی با ایشان دارند. ابراهیم تیموری (۱۳۹۹) در کتاب "تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار" به نحوه حضور برخی از سفرای خارجی در دربار فتحعلی شاه قاجار اشاره مختصری داشته است. پژوهش حاضر ضمن استفاده از دستاوردهای دیگران در این زمینه، سعی دارد تا تشریفات استقبال، اقامت، پوشش، حضور و تقدیم هدایا و دریافت پیشکش سفرا در دربار فتحعلی شاه را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

تشریفات استقبال از نمایندگان خارجی در ایران

تشریفات استقبال رسمی از فرستادگان کشورهای خارجی به‌عنوان یک عنصر کلیدی، عظمت دربار و قدرت شاه ایران را به نمایش می‌گذاشت، علاوه بر اینکه به شناخت فرهنگی و هنری کشور ایران کمک می‌کرد، نقشی مهم در دیپلماسی و مذاکرات سیاسی داشت و مسیر مذاکرات دیپلماتیک را هموار می‌ساخت. این تشریفات که نماد اقتدار و اعتبار دربار قاجار بود، شامل چند مرحله برنامه‌ریزی شده بود که با توجه به جایگاه و موقعیت شخص سفیر و احترام به کشور او انجام می‌شد (بن‌تان، [بی‌تا]: ۵۸).

معمولاً نمایندگان خارجی پس از ورود به مرزهای ایران بسته به مسیری که وارد می‌شدند و جایگاهی که در سیاست خارجی حکومت قاجار داشتند، در شهرهای مختلف ایران مورد استقبال و پذیرایی حاکمان و شاهزادگان آن منطقه قرار می‌گرفتند. گروهی که از بوشهر وارد می‌شدند، از ایالات اصفهان و فارس عبور می‌کردند، گروهی که از مرزهای غربی وارد کشور می‌شدند، مورد استقبال شاهزاده کرمانشاه قرار می‌گرفتند و گروهی که از شمال غربی به آذربایجان وارد می‌شدند، مراسم استقبال از آنها در تبریز صورت می‌گرفت و گاهی در مسیر حرکت خود به سوی پایتخت در چندین شهر مورد استقبال قرار می‌گرفتند. به عنوان مثال،

هیئت انگلیسی که به ریاست سر هارفورد جونز^۱ از مرزهای جنوبی وارد کشور شد، در شهرهای شیراز، اصفهان و تهران مورد استقبال رسمی قرار گرفت (جونز، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۵۲؛ Buckingham, 1829: 213-214).

مسافرت نمایندگان خارجی در ایران که گاهی به صورت کاروانی و گاهی به منظور تسریع برای حضور در پیشگاه شاه به روش چاپاری صورت می‌گرفت، نیازمند به جای آوردن نکاتی بود که ایرانیان به هنگام سفر آن را رعایت می‌کردند. از جمله این نکات، فراهم آوردن تدارکات، ملزومات و همراهان سفر بود و با توجه به اینکه با ورود به خاک ایران، مهمان شاه ایران محسوب می‌شدند؛ لذا باید تمامی اسباب و وسایل مورد نیاز آنها توسط مهماندار منصوب‌شده از سوی دربار فراهم می‌گردید (ملکم، ۱۳۹۶: ۱۲۱). تمام مخارج این نمایندگان از ابتدای ورود به ایران تا زمان بازگشت برعهده دولت ایران بود که به صورت مالیات یا آذوقه‌ای که به فرمان حکومت سورات نامیده می‌شد، از مردم محلی گرفته می‌شد (موریه، ۱۳۸۵، ۲/ ۳۱۲-۳۱۱). از موارد دیگری که این مسافران باید به هنگام حرکت و ورود به شهرها رعایت می‌کردند، این بود که باید در انتظار ظهور ساعت سعد می‌ماندند؛ زیرا شاه ایران به نجوم و سعد و نحس ستارگان اعتقاد داشت و طی پیغامی ساعت خوش و مناسب را برای ورود به پایتخت به سفرا ابلاغ می‌کرد (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). البته گاهی سفرا برای اینکه نزد مردم و شاه محبوبیت کسب کنند، خودشان از ستاره‌شناسان برای تعیین ساعت سعد نظر می‌گرفتند (موریه، ۱۳۸۵، ۱/ ۱۱۲؛ ملک، ۱۳۹۶: ۲۱۱).

مراسم استقبال رسمی معمولاً در یک مایلی اردوگاهی که برای پذیرایی از ایلچی تدارک دیده شده بود، صورت می‌پذیرفت (موریه، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۱۴) و گروه‌های استقبال‌کننده که از نظامیان و سواران سپاه، اشراف و بزرگان، اتباع خارجی نمایندگان دولت‌های مقیم، اصناف، لوطیان، غلامان، فراشان، هنرمندان و مردم عادی تشکیل می‌شد (موریه، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۰۳)، با صف‌های استقبال و نواختن طبل، مارش نظامی، شلیک گلوله و زنبورک‌ها به خوشامدگویی از هیئت خارجی می‌پرداختند و با اجرای رقص‌های بومی پهلوانان زورخانه‌ای و بازی‌های نمایشی قراولان که به نوعی هویت فرهنگی و تاریخی ایران را بازتاب می‌داد، هیئت را تا زمانی که ایلچی به محل اقامت خود می‌رفت، همراهی می‌کردند و با قهوه و قلیان و انواع شیرینی‌ها از آنها پذیرایی می‌شد و پس از چند روز، اعیان و بزرگان شهر از اعضای هیئت بازدید به عمل می‌آوردند (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۴۴).

^۱. Sir Harford Jones

این آئین‌ها که جز برای خانواده شاهی انجام نمی‌شد، به منظور استقبال از سفرایی که بر اساس قدرت و احترام کشور خود تشریفات بیشتری را طلب می‌کردند، به اجرا گذاشته می‌شد (موریه، ۱۳۸۵: ۱/۱۲۶). جونز که با توجه به رقابت‌های استعماری و نظامی در منطقه تلاش داشت قدرت سیاسی و فرهنگی بریتانیا را به نمایش بگذارد، به رعایت پروتکل‌های دیپلماتیک اهمیت فراوانی می‌داد، به طوری که قبل از ورودش به شیراز طی مکاتباتی که با مهماندار شاهزاده شیراز کرده بود، تمام مواردی که انتظار داشت به هنگام مراسم استقبال از او به عمل آید را متذکر شده و از آنها خواسته بود با به‌جای آوردن تشریفات لازم، رضایت خاطر او را جلب سازند و تهدید کرده بود در صورت برآورده نشدن خواسته‌های خود از جایش تکان نخواهد خورد و منتظر تصمیم شاه و وزیرانش خواهد ماند (جونز، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۴).

پیاده شدن از اسب توسط استقبال‌کنندگان در مقابل اسب سفیر نیز از اصول مهم تشریفات بود و عدم اجرای آن به منزله بی‌احترامی به مقام سفیر محسوب می‌شد (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/۸۲۸-۸۲۷). جونز از جمله سفیرانی بود که به این امر تأکید زیادی داشت، او با آگاهی از رسم ایرانی‌ها که هر کس زمانی که به فردی بلندپایه‌تر از خود می‌رسید، باید از اسب پیاده می‌شد، هنگامی که رؤسای هیئت استقبال در شیراز از این کار خودداری کردند، خشمش برانگیخته شد و ورودش به شهر را به تأخیر انداخت تا مراسم استقبال درخور شخصیت‌های رسمی از او به عمل آید. بگومگویی دراز در این مورد صورت گرفت و در نهایت به او اعلام شد که این گروه که اغلب از خاندان شاهی (بزرگان قاجار) بودند، حاضر شدند به احترام ایلچی از اسب فرود بیایند (موریه، ۱۳۸۵: ۱/۱۴۳-۱۳۶).

تشریفات اقامت و خوش‌آمدگویی به سفرا

اقامت و خوش‌آمدگویی به سفیران در دوره فتحعلی شاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و به‌عنوان بخشی از تشریفات رسمی دیپلماتیک به اجرا درمی‌آمد. این روند به‌گونه‌ای طراحی شده بود که نه تنها نشان‌دهنده احترام و اعتبار دربار قاجار باشد، بلکه فضایی را ایجاد می‌کرد که مذاکرات سیاسی به بهترین شکل ممکن به‌پیش برود. اگر چه در زمان آقا محمد خان تدارک منزل برای سفرا با هزینه خودشان و توسط کدخدا صورت می‌گرفت (اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۳-۵۹)، اما در دوره فتحعلی شاه، این رویه تغییر کرد و از آنجا که در ایران سفیر دائمی وجود نداشت، لذا سفرای موقتی که به ایران می‌آمدند، در نبود مهمانسرای دولتی، در خانه صدراعظم منزل می‌کردند که گاه باعث شکل‌گیری مشکلات خاصی می‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۸۱؛

جونز، ۱۳۸۶: ۱۲۳). البته گاهی منزل سایر صاحب‌منصبان درباری نیز برای پذیرایی از سفرا مورد استفاده قرار می‌گرفت (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۷۹).

در برخی موارد، محل اقامت سفیر به نحوی با تشریفات استقبال از او مغایرت داشت و مورد پسند وی واقع نمی‌شد و بی‌توجهی دربار قاجار در این مورد موجب اعتراض سفیر می‌شد. نامه ایوان سیمونیچ^۱ وزیرمختار دولت روسیه در زمان ورودش به تهران به سبب مهیا نبودن محل سکونت و امکانات رفاهی، نمونه‌ای از این بی‌توجهی‌هاست (سید بنکدار و کمالوند، ۱۴۰۰: ۱۱۱). تهیه منزل و محل اقامت مطلوب برای سفرای ساکن در تهران به مرور تحت‌تأثیر اهداف و منازعات سیاسی خارجی قرار گرفت و رقابت بین دولت‌های روسیه و انگلیس، حکومت ایران را ناچار ساخت که در جهت کسب رضایت هر یک تعادل و توازن را رعایت کند و محل اقامت مناسبتری از آنچه به یکی داده، به دیگری ندهد. برای نمونه؛ فتحعلی شاه در دستوری که به میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه می‌دهد، از او می‌خواهد که جا و مکان و پذیرایی از سفیر روسیه را طوری ترتیب دهد که موجب رنجش انگلیسی‌ها نشود (کمیل، ۱۳۸۴: ۲۳۱/۱).

پس از اقامت سفیر و پذیرایی از او بر طبق رسم دربار ایران می‌بایست سفرا پیش از نخستین شرفیابی به حضور شاه، چندین دیدار با صدراعظم و بزرگان کشور و هیئت‌وزیران انجام می‌دادند (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۴؛ بارنز، ۱۳۷۳: ۹۶). این ملاقات که زمینه‌ساز گفت‌وگوهای سیاسی و دیپلماتیک بود، مورد خوشایند و پذیرش برخی از سفرا واقع نمی‌شد: «در روز رسیدن بر آن شدیم که نخستین بار باید خداوند خانه به دیدارمان آید. حاج محمدحسین خان امین‌الدوله گنجور که یک روز بعد وزیر شد، از این امر تردید نموده، گفت: انتظار داریم که ایلچی نخست از من دیدار کند؛ اما سر هارفورد جونز بی‌درنگ با این تعبیر که حتی در میان نامتمدن‌ترین مردم جهان رسم است، دشواری‌ها را از سر راه برداشت» (موریه، ۱۳۸۵: ۲۲۵/۱). همچنین یکی از درخواست‌های سر گور اوزلی^۲ قبل از باریابی به حضور شاه این بود که ابتدا صدراعظم به دیدار او برود که به‌هیچ‌وجه مورد قبول واقع نشد (Ousley, 1823, 3/136-137).

پوشش سفرا در مراسم سلام (کفش و کلاه)

نوع پوشش سفرا به هنگام حضور در مراسم باریابی از تشریفات بود که باید توسط آنها رعایت می‌شد. شاه و درباریان با لباس رسمی و پرتجمل در این مراسم حضور یافته و تلاش داشتند تا

^۱ Ivan Simonich

^۲ Sir Gore Ouseley

شکوه و عظمت قدرت حاکم بر ایران را در برابر سفرا به نمایش بگذارند و آنها بر اساس آداب دربار ایران تمایل داشتند که سفرا نیز با پوشش ویژه باریابی حضور یابند. بنابراین، یک روز پیش از شرفیابی سفرا به دربار، از سوی فتحعلی شاه خلعت یا جامه افتخاری که شامل لباس مخصوص درباری و سلاح جواهرنشان بود، برای اعضای هیئت خارجی فرستاده می‌شد (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸) و در مورد آداب و تشریفات که سفرا باید به هنگام حضور در برابر شاه رعایت می‌کردند، مذاکراتی صورت می‌گرفت و نکات و آئین‌هایی که باید رعایت می‌شد، به سفرای خارجی ابلاغ می‌شد (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۲۸/۲).

در این دوره، پوشش سفرا از جمله مسائلی بود که باعث ایجاد بحث‌های طولانی بین سفرا با درباریان و شاه می‌شد و برخی از آنها بنا به دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از پوشیدن لباس مخصوص باریابی اجتناب می‌کردند. از جمله این سفیران، سر جان ملکم^۱ بود که تصمیم داشت با لباس رسمی و تشریفات انگلستان به حضور شاه ایران برسد، اما ایرانی‌ها با نشان دادن نقاشی‌های حضور سر آنتونی شرلی^۲ و همراهانش در دربار شاه عباس اول، از هیئت انگلیسی خواستند که به‌مانند آنها خلعت ایرانی به تن کنند (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۱۸؛ هاردینگ، ۱۳۷۰: ۱۵۳-۱۵۲). موریه در قالب طنز نتیجه این مذاکره را به این صورت اعلام کرده است: «انگلیسیان ملعون چون آن نقش را بدیدند اینقدر خندیدند که نزدیک بود بترکند و گفتند فهمیدیم که شما می‌خواهید میمون برقصانید خلاصه سخن لباس اینقدر به درازا کشید که پادشاه به ستوه آمد و گفت با هر لباسی که می‌خواهند بیایند به جهنم» (موریه، ۱۳۵۴: ۷۳۴). هیئت ژنرال گاردان^۳ نیز از جمله کسانی بودند که از پوشیدن خلعت شاهی خودداری کردند و با بستن شال‌های کشمیری به صورت حمایل بر خود در پیشگاه شاه حضور یافتند. آنها در مقابل پافشاری میرزا شفیع بر پوشیدن جبه خلعتی اعلام کردند که نمی‌خواهند لباس ملی خود را از نظر دیگران پنهان کنند و تمایل دارند با لباس رسمی کشور خود به حضور شاه ایران برسند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۹-۲۴۷). قابل ذکر است که بر طبق آئین‌های درباری، افراد می‌بایست تا سه روز پس از دریافت خلعت، پیوسته آن را بر تن می‌کردند (موریه، ۱۳۸۵: ۱/۱ و ۲۴۹). این اختلاف نظرها نه‌تنها به خاطر بی‌اعتنایی هیئت‌های خارجی به آداب و سنت‌های ایرانی بود، بلکه به دلیل عدم آگاهی مسئولان تشریفات دربار ایران از عرف و قوانین بین‌المللی در این موارد نیز بود.

^۱. Sir John Malcolm.

^۲. Sir Anthoni Shirley

^۳. General Guardan

از جمله قوانین تشریفاتی دربار ایران که از اهمیت خاصی برخوردار بود، مسئله کفش بود. با توجه به اینکه در اکثر نقاط ایران شخص پیش از وارد شدن به خانه، کفش‌های خود را درمی‌آورد؛ لذا ورود شخص به حضور شاه بدون کندن کفش‌ها قابل تصور نبود. ایرانیان چون شاه را دارای «فره ایزدی» و «ظل‌الله» می‌دانستند، برهنه کردن پا به این معنی بود که به جایگاه بسیار مقدسی گام نهاده‌اند (موریه، ۱۳۸۵: ۲۱۲/۱) و درنیاوردن کفش را بزرگ‌ترین بی‌حرمتی به خود می‌دانستند (موریه، ۱۳۸۵: ۲۸۲/۲). از سویی در اثر ورود با کفشی که ممکن بود چرم آن نجس باشد و خاک و غبار کوچکی نیز به آن چسبیده باشد، فرش‌ها از نظر شرعی آلوده گشته و می‌بایست بلافاصله شسته می‌شدند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶). سفرا و تازه‌واردان دربار ملزم بودند که قبل از دومین تعظیم در فاصله سی‌گامی از شاه، کفش خود را از پای درآورند و جوراب‌های ساقه‌بلند سرخ و کفش‌های راحتی پاشنه بلند سبز رنگی بپوشند؛ البته سفرایی که از موقعیت بالاتری برخوردار بودند تا نزدیک پلکان شاه‌نشین کفش به پا داشتند و این در حالی بود که عده‌ای از همراهان آنها در فاصله دورتری این کار را انجام می‌دادند (موریه، ۱۳۸۵: ۲۱۲/۲). از طرفی یک آشفتگی و تناقض خاصی در رعایت این رسم به چشم می‌خورد؛ سفرایی که موردعنایت و نیک‌خواهی شاه واقع می‌شدند، با کفش در مراسم سلام حضور یافته و در مقابل شاه می‌نشستند، چنانکه ژوبر^۱ از این امتیاز برخوردار گردید (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۰). عدم برخورد یکسان در این مورد، باعث به وجود آمدن اختلافات زیادی بین سفرا و درباریان ایران می‌گردید.



نقاشی از حضور سر جان ملکم، اوزلی و جونز با جوراب‌های قرمز در دربار فتحعلی شاه قاجار

^۱. Jaubert

پیش از انعقاد عهدنامه ترکمانچای، پوشیدن جوراب‌های ساقه بلند سرخ و کفش‌های راحتی پاشنه بلند سبز رنگ از عواملی بود که باعث ناراحتی و مخالفت سفرای اروپایی مخصوصاً روس‌ها می‌شد. روس‌ها که به علت درگیری‌های سیاسی و نظامی با حکومت قاجار به هر نوعی در صدد تحقیر سلطنت ایران بودند، اجبار و التزام در سرپا ایستادن و درآوردن کفش را برای خود خفت می‌دانستند و اصرار داشتند همان لباسی را که در نزد تزار می‌پوشند، به هنگام حضور در دربار قاجار بپوشند (موریه، ۱۳۸۵: ۲۸۲/۲). تا آنجا که یرملوف^۱ و همراهانش برخلاف قاعده مرسوم دربار ایران با کفش و بدون پوشیدن جوراب قرمز به حضور فتحعلی شاه رسیدند و به نوعی به شاه ایران بی‌احترامی کردند (سید بنکدار و کمالوند، ۱۴۰۰: ۱۴۰-۱۴۱). این مناقشه‌ها در عهدنامه ترکمانچای هم بازتاب داشت و در متن تشریفات ضمیمه آن عهدنامه که در شعبان ۱۲۴۳ق. به امضای نمایندگان ایران و روسیه رسید، در باب شرفیابی سفیران اینچنین قید شد: «در هیچ موردی از سفیر و کسانی که جزء همراهانشان هستند، نخواهند خواست تغییری در لباسی که پوشیده‌اند، بدهند. باین‌همه، جناب سفیر و همراهانش مراقب خواهند بود گالش پوشیده باشند و پیش از دخول به جایگاه یا چادر آن را در بیاورند» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۸؛ رایت، ۱۳۵۷: ۴۴). نخستین فرستاده روسیه که پس از معاهده ترکمانچای به‌عنوان وزیرمختار جدید به تهران آمد، گریبایدوف^۲ بود که در مجلس حضور فتحعلی شاه، علیرغم استناد درباریان ایران به معاهده ترکمانچای برای تحقیر بیشتر ایرانیان حاضر نشد کفش‌هایش را از پا درآورد و موجبات ناراحتی درباریان و شاه را فراهم ساخت (هدایت، ۱۳۸۰، ۷۹/۶۷۹؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ۷۰۲/۲).

از دیگر آداب غیرعادی از نظر اروپائیان، پوشاندن سر در حضور شاه و مراسم رسمی و ضیافت‌ها بود (رایت، ۱۳۵۷: ۴۴)؛ زیرا که ایرانیان نه‌تنها ورود اشخاص را به محضر بزرگان و طبقات ممتاز بدون داشتن کلاه تعبیر بر بی‌ادبی می‌کردند، حتی از سر برداشتن آن را نیز مذموم می‌شمردند، تا آنجا که طبق قواعد تشریفات ترکمانچای نیز مقرر شد که اروپاییان به‌هیچ‌عنوان با سر برهنه و بی‌کلاه به حضور شاه نروند (آنه، ۱۳۷۰: ۱۷۶).

شرفیابی به حضور شاه

با پایان یافتن رسم انتظار در تشریفات درباری که طی آن مهمان حداقل باید سه روز صبر می‌کرد (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶) تا زمان و ساعت سعد ملاقات از نظر منجمان درباری فرا

^۱. General Yermelov

^۲. Alexander Gribaydov

برسد، مراسم باریابی از صبح زود شروع می‌شد. گروه تشریفاتی دربار به ریاست یکی از مقامات عالی دربار با یک رأس اسب مشتمل بر زین و یراق مرصع به محل اقامت سفیر رفته و آمادگی دربار را برای پذیرایی از هیئت اعلام می‌کردند. در این هنگام، سفیر از روی آداب‌دانی رکاب اسب را بوسه می‌داد و در کنار هیئت خود در حالی که ملبس به لباس درباری و سوار بر اسب بودند، به همراه پیشکش‌ها و نامه‌هایی که داشتند، با صدای شیپور و احترامات نظامی به سوی قصر هدایت می‌شدند (خاوری، ۱۳۸۰: ۴۵۹/۱؛ موریه، ۱۳۸۵: ۲۲۸/۱-۲۲۶؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۷). قابل ذکر است، تمام آدابی که سفیر به هنگام ورود به قصر شاهی باید رعایت می‌کرد، قبلاً به او یادآوری می‌شد، نقطه‌ای که ایلچی باید از اسب پیاده می‌شد و حالتی که به شاه نزدیک می‌شد و جایی که بایست می‌نشست، همه و همه با رضایت خود ایلچی و توافق طرفین تعیین و مقرر می‌شد (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۱۹). اوزلی بر سر نحوه مراسمی که باید برای باریابی به حضور شاه انجام می‌گرفت، مذاکرات خسته‌کننده‌ای انجام داد و چون در آن مقطع حکومت قاجار به حمایت دولت انگلستان در جنگ با روس‌ها نیاز مبرمی داشت، او توانست دو اصل مهم از نظر خودش را به ایرانی‌ها بقبولاند: اول آنکه شاه او را یک روز پیش‌تر از موعد مرسوم بپذیرد و دیگری اینکه صندلی او نسبت به سفرای قبلی نزدیک‌تر به پیشگاه شاه قرار گیرد (رایت، ۱۳۵۷: ۳۸).

سفری که از میان خیل انبوه جمعیت و کوچه‌های آب‌وجارو شده^۱ و نمایش حیواناتی مثل شیر و خرس وارد ارگ شاهی می‌شدند، بعد از احترامات نظامی و پیش‌فنگ کردن سربازان ایرانی از اسبان خود پیاده شده و با برداشتن کلاه از سرشان به نشانه احترام وارد کاخ شاهی می‌شدند و در اتاق وزیران که بزرگان و مقامات درباری در آن حضور داشتند، به انتظار ساعت سعد نشسته و با قهوه و قلیان و شربت مورد پذیرایی درباریان قرار می‌گرفتند و منتظر ورود شاه می‌ماندند (Ker Porter, 1821: 324؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۷؛ ملکم، ۱۳۹۶: ۲۱۹). البته در مورد سطح و مرتبه شخصی که می‌بایست در اتاق انتظار از ایلچی استقبال می‌کرد، بحث‌های فراوانی صورت می‌گرفت (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۱۹). بعد از نیم ساعت که ایشیک‌آقاسی باشی آمادگی شاه را برای حضور در بارعام به سفیر اعلام می‌کرد، حضور شاه در بارعام با شلیک توپ اعلام می‌شد تا همه مردم باخبر شوند که شاه بر تخت جلوس کرده است (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۹). سفیر و هیئت همراه در معیت رؤسای تشریفات (ایشیک‌آقاسی باشی و قوریساول باشی)

^۱. ژوبر اشاره می‌کند: «در مسیر عبور یک ردیف سرباز تفنگ بر شانه روی زمین نشسته بود تا طرفین کوچه‌هایی که کثیف و بدمنظر می‌نمود، گرفته شود» (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۷).

و در میان احترام نظامی^۱ و اسکورت طبل‌ها و فایف‌ها از مسیرهای معینی عبور کرده و به سمت تالار باریابی حرکت می‌کردند (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶؛ موریه، ۱۳۸۵: ۱/۲۲۸-۲۲۶). در حالی که شاه برای تحت تأثیر قرار دادن حضار و نشان دادن ثروت مملکت غرق در جواهرات بود (Ker Porter, 1821: 325; Waring, 1807:98).

نمایندگان خارجی به هنگام شرفیابی به حضور شاه قاجار به محض قرار گرفتن در برابر وی ملزم بودند سه مرتبه در نقاط تعیین‌شده تالار تعظیم کنند. آنها در حالی که میان دو نفر از اعظم امراء به پیش می‌رفتند، تکلیف به تعظیم می‌شدند و به خاطر دشوار بودن تعظیم با کلاه این کار را پس از برداشتن کلاهشان انجام می‌دادند (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۱/۸۲). قبل از تعظیم سوم ایشیک‌آقاسی‌باشی طی مراسم خطبه‌خوانی با صدای بلند به معرفی سفیر می‌پرداخت و شاه را از اهداف شرفیابی سفیر، نامه و پیشکش‌هایی که آورده بود، مطلع می‌ساخت (ملکم، ۱۳۸۰: ۱/۸۲؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۷). فتحعلی شاه که تا آن زمان بی‌حرکت نشسته بود، می‌گفت: «خوش آمده است» (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۷۷). پس از گفتار شاه، یکی از وزیران به سفیر نزدیک شده و او را از پلکانی که از زیر صفا به بارگاه می‌رفت، بالا می‌برد. سفیر چون به بارگاه می‌رسید، تعظیم سوم را به‌جا می‌آورد (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۰). قابل‌ذکر است که افسران نظامی علاوه بر تعظیم در برابر شاه به انجام سلام نظامی نیز می‌پرداختند (بارنز، ۱۳۷۳: ۹۷). در این مراسم، هیئت همراه نمایندگان خارجی نیز در باغ روبروی شاه در کنار وزیران سرپا نگهداشته می‌شدند و با فرمان شاه احضار می‌شدند و نام و سمتشان توسط سفیر یک‌به‌یک برای شاه خوانده می‌شد (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/۴۶۰؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۷۲۳/۹؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

نشستن در حضور شاه و مذاکره با وی

نشستن سفیر در برابر شاه از جمله امتیازاتی بود که در مجالس سلام برای سفرا در نظر گرفته شده بود و نشانه صمیمیت و جایگاه ویژه آنها محسوب می‌شد؛ زیرا که بزرگان ایرانی این رسم ارج‌گزاری را سخت رعایت می‌کردند و نشانه اصلی شأن و مقام آنها در این بود که ایرانیان به آدم‌های خود به اکراه اجازه نشستن می‌دادند (موریه، ۱۳۸۵: ۱/۱۶۹). خاوری ضمن شرح

^۱ در ایران عصر قاجار از بدو ورود سفیر تا مرخصی او چندین بار احترام نظامی انجام می‌گرفت و این در حالی بود که طبق اساسنامه تشریفاتی کنگره وین (۱۸۱۵-۱۸۱۴م)، دولت میزبان تنها یکبار ملزم به انجام احترامات نظامی برای سفرای خارجی در مراسم تسلیم استوارنامه بود (ذوالعین، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

شرفیابی یرملوف بیان می‌کند: «چون ایلچی بزرگ به قانون عموم دول، صورت پادشاه است، لهذا از جهت احترام‌گزاری حضرت ایمپراطوری، اذن جلوس به او داده شد و معزی‌الیه از فرط آداب‌دانی امثال امر حضرت صاحبقرانی را واجب شمرده به قدری که تسمیه جلوس به عمل آید نشسته و فی‌الفور بر پای ایستاده آمد» (خاوری، ۱۳۸۰: ۴۶۰/۱).

با این حال، در این دوره تعدادی از سفرا به طرز ایرانی‌ها روبروی شاه بر زمین (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۰) و عده‌ای نیز در مقابل شاه بر روی صندلی می‌نشستند. افتخار نشستن در حضور شاه هم به عرصه رقابت روسیه و انگلستان تبدیل شد؛ در حالی که دو کوتزبوئه اعلام کرده است که روس‌ها اولین اروپائینی بودند که به این افتخار نائل گشته‌اند که در مقابل تخت شاه روی صندلی بنشینند (دو کوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۵۹)، موریه نیز اشاره کرده است که جونز بر صندلی زرین کوبی که مخصوص او تدارک دیده شده بود، نشست و این در حالی بود که تا به حال به هیچ ایلچی دیگری این امتیاز داده نشده بود (موریه، ۱۳۸۵: ۲۲۹/۱). صندلی که ایلچی بر روی آن می‌نشست، در مرکز اتاق و در فاصله معینی از تخت شاه قرار داده می‌شد و دوری و نزدیکی آن به مقام و رتبه سفیر در نزد دربار بستگی داشت، به طوری که در مذاکراتی که مقامات درباری با اوزلی در مورد تشریفات و آئین‌های درباری داشتند، در قبال درخواست‌های اوزلی اعلام کردند که بیشترین کاری که می‌توانند بکنند، این است که صندلی ایلچی را برخلاف صندلی ایلچیان قبلی نزدیک تخت شاه قرار دهند (موریه، ۱۳۸۵: ۲۱۰/۲). بر اساس ضمیمه قرارداد ترکمانچای مقرر شد که پس از نطق سفیر، شاه ایران او را به جلوس دعوت کرده و برای او صندلی مهیا سازند (عهدنامه ایران و روس در باره امور تشریفات، [بی‌تا]: ۱۱۰).

پس از معرفی سفیر توسط رئیس تشریفات و خوشامدگویی شاه، سفیر به سوی دیوانخانه حرکت می‌کرد و پس از اینکه شاه با اشاره سر به جلوس او فرمان می‌داد، تعظیم مختصری کرده و در میان اتاق بر روی صندلی می‌نشست (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۷۲۴/۹؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶). سفیر پس از نشستن فوراً برای تقدیم نامه از جای خود بلند می‌شد و نامه را تسلیم می‌کرد تا قرائت شود. شاه پس از خوشامدگویی مجدد، غالباً شروع به صحبت می‌کرد و پس از تعارفات آغازین و استعلام و استفسار از سلامتی امپراتور کشوری که سفیر از جانب او اعزام شده بود و بررسی میزان رضایت آنها از سفر در ایران، به بررسی روابط و مسائل بین طرفین می‌پرداخت (موریه، ۱۳۸۵: ۲۵۱/۱). البته فتحعلی شاه در اولین مجالس سلامی که سفیر حضور می‌یافت، برای آرام کردن سفیر و برخاستن رعب و هراسی که ناشی از مشاهده احتشام سلطنت در او بود (واتسن، ۱۳۵۴: ۱۳۵-۱۳۴)، به پرسیدن سؤالاتی دقیق و گاهی خنده‌دار با

سفرا می‌پرداخت (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۲۱/۲). بارنز که به همراه کمبل توانسته بود به حضور شاه قاجار برسد، در تأیید این مطلب بیان می‌کند: «لطف و حسن برخورد این شخصیت برجسته طوری بود که یکباره در مذاکره بسیار صمیمانه با جهان‌پناه خود را از قید خجالت آزاد کردم» (بارنز، ۱۳۷۳: ۹۷). مدت زمان شرفیابی به دربار از بیست دقیقه تا یک ساعت متغیر بود (Ousley, 1823, 3/135) و در مراسمی که سفیر با زبان فارسی یا ترکی آشنا بود، زمان بار بیش از یک ساعت طول می‌کشید، زیرا که فتحعلی شاه تمایل داشت بدون کمک مترجم با اروپاییان مذاکره کند و از موضوع مأموریت آنها آگاه گردد (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۰).

تشریفات تقدیم نامه به شاه

اکثر سیاحانی که در این دوره وارد ایران شده بودند، مأموران سیاسی بودند که حامل نامه‌هایی از سوی عالی‌ترین مقام رسمی کشورشان برای شاه قاجار بودند. آنها با تشریفات خاصی این نامه‌ها را در طول مسیر کاروان به حرکت درمی‌آوردند و با آگاهی از ارج‌گزاری ویژه مردم خاور زمین به نامه پادشاه خود تلاش می‌کردند با انجام آئین‌هایی چون حمل نامه در تخت روان یا صندوق‌ها و کیسه‌های طلائی و حفاظت از آن، توسط نگهبانانی با شمشیرهای آخته برای ایرانیان سرمشق شده و آنها را برای ارج‌گزاری به نمایندگان خارجی ترغیب کنند (جونز، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۲؛ موریه، ۱۳۸۵: ۲۰۲/۱؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۰؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶).

در روزی که طبق قرار قبلی، سفیر برای شرفیابی به حضور شاه به سوی دربار عازم می‌شد، نامه را با خود حمل می‌کرد. این نامه به هنگام شرفیابی توسط «قولرآقاسی» در کیسه‌ای طلائی و بر روی سینی طلا حمل می‌شد. پس از معرفی، سفیر بر روی صندلی نشسته و بلافاصله برای تقدیم نامه به سمت تخت حرکت می‌کرد که در میانه راه، صدراعظم نامه را گرفته و در مقابل تخت شاه قرار می‌داد. آنگاه با اشاره سر شاه، فرد موردنظر (صدراعظم یا منشی‌الممالک) نامه را باز کرده و با صدای بلند و رسا می‌خواند (خاوری، ۱۳۸۰: ۴۶۰/۱؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۶-۶۷). پس از عهدنامه ترکمانچای و قرارداد تشریفات الحاقی مقرر شد که اگر ایلچی یا وکیلی از جانب ولی‌نعمت خود حامل مراسله باشد، شخص پادشاه از دست وی نامه را خواهد گرفت (عهدنامه ایران و روس در باره امور تشریفات، [بی‌تا]: ۱۱۱-۱۱۰).

تشریفات تقدیم پیشکش

تبادل هدیه و پیشکش تنها منحصر به کشور ایران و دوره قاجار نبود، لکن اروپائیان در این دوره با توجه به شناختی که از آداب و رسوم ایرانی پیدا کرده بودند، دریافتند که تقدیم

هدایای درخور و شایسته به بزرگان ایرانی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در روابط سیاسی و برآورده شدن درخواست‌های آنها داشته باشد و جریان‌ات و حوادث سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین، از آن به‌عنوان یک حربه حساب‌شده برای گسترش نفوذ خود بهره می‌جستند (Aitchison, 1865, 7/127؛ Ousley, 1823, 3/ 137-138, 141-142) و تلاش می‌کردند از شاه گرفته تا کوچک‌ترین مقام حکومتی در روستاهای دورافتاده را با دادن هدایایی درخور شأن و مقام راضی کرده و خود را در ظاهر خیرخواه آنها نشان دهند، اگر چه برخی از این افراد نظیر اوزلی در باطن تنفر شدیدی از ایرانیان داشتند (Reynolds, 1846: 101-102).

ملکم در نخستین سفرش به ایران بر اساس تجاربش در هند، ولخرجی‌های زیادی کرد. او معتقد بود که در همه دربارهای آسیایی، مخصوصاً ایران برای یک فرستاده خارجی لازم است که روشی پیش بگیرد که نه تنها اعتبار کشورش را نزد میزبان بالا ببرد، بلکه بتواند منظور خود را از مأموریتی که دارد، با جلب توجه ایرانیان به قدرت و ثروت انگلستان تحقق بخشد (رایت، ۱۳۵۷: ۳۸). هدایایی ملکم که از جمله موارد مشهور تاریخ ایران است و تأثیر بسیاری بر روند جریان‌ات تاریخی داشت، در این سفر عبارت بودند از آینه‌های قدی، ساعت‌های کوچک و دیواری مرواریدکاری شده، انواع تفنگ‌ها و تپانچه‌ها، سرویس‌های کارد و چنگال، شال و پارچه و مهم‌ترین آنها الماسی بود که هالینگبری با مبالغه، قیمت آن را حدود صد هزار روپیه اعلام کرده است (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۹). جونز معتقد بود که هزینه زیادی که ملکم در حین سفر به ایران خرج کرده بود، باعث شد تا تصویری از ثروت نامحدود ما به ایرانی‌ها بدهد و نیز این گمان را در آنها به وجود آورد که ما حاضریم در ازای خدماتی که به ما ارائه می‌دهند، به راحتی از ثروتمان دل بکنیم (جونز، ۱۳۸۶: ۳۲).

پس از ملکم، سفرای دیگری نیز وارد ایران شدند که حجم قابل توجهی از هدایا را به همراه داشتند و با دست‌ودل‌بازی‌های خود باعث شدند که در دوره‌های بعدی، کاهش بودجه دولت انگلیس و بالا بودن توقع حکومت ایران در باب هدایا به عاملی برای بی‌اعتنایی و تلخی روابط تبدیل گردد. به‌عنوان مثال، هدایایی که سر جان کمبل به دربار ایران تقدیم کرد، با توجه به اینکه در مقایسه با سفرای قبل بسیار ناچیز بود، باعث ناراحتی شاه گردید. فتحعلی شاه با این احساس که اهمیت مقامات ایرانی در نظر انگلیسی‌ها به همان اندازه کاهش یافته است، از پذیرش و پاسخگویی به نامه‌های کمبل امتناع ورزید و اعلام کرد: «چیزی کمتر از آنچه فرستاده‌های سابق می‌داده‌اند، قبول نمی‌کند» (کمبل، ۱۳۸۴: ۱۹۰/۱-۱۸۱). هدایا و پیشکش‌ها اگر تا زمان شرفیابی سفیر به پایتخت می‌رسید و همراه او بود، در نخستین مراسم

سلامی که حضور می‌یافت، به شاه تقدیم می‌شد؛ اما اگر دیرتر از خود سفیر به پایتخت می‌رسید، مجلس باری به این مناسبت تشکیل داده و هدایا از نظر شاه گذرانیده می‌شدند (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۲۱؛ خاوری، ۱۳۸۰: ۴۶۰/۱).

پیشکش‌هایی که قرار بود تقدیم شاه شود، بر روی تکه پارچه‌ای از ساتن سفید و در ظروف طلائی قرار داده شده و به هنگام حرکت به سوی قصر شاهی در سینی‌های بزرگ بر روی سر غلامان یا در تخت روان حمل می‌شد (موریه، ۱۳۸۵: ۲۲۶/۱) و بر روی میز چیده می‌شد (خاوری، ۱۳۸۰: ۴۶۱/۱). این پیشکش‌ها در مجالس سلام پس از کسب فرمان شاه وارد کاخ شده و از نظر شاه گذرانیده می‌شد (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۱) و در این هنگام یکی از وزیران شروع به خواندن فهرست هدایای تقدیمی می‌کرد. شأن و جایگاه مقام پادشاهی اقتضاء می‌کرد که هر قدر هدایا نفیس و قیمتی باشند، پادشاه باید علی‌الظاهر با بی‌اعتنایی در آنها نظر می‌کرد و از اظهار خوشحالی خودداری می‌کرد (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۲۱/۲). درباریان ایرانی برای تملق به شاه، گاه تلاش می‌کردند که هدایای تقدیمی سفرا را باج و خراج فرمانروایان کشورهای دیگر به فتحعلی شاه قلمداد کنند و ملکم بیان می‌کند: «یکی از وزیران شروع به خواندن فهرست هدایا کرد و من کمی دچار اضطراب شدم چون احساس کردم طوری نام آنها را می‌خواند که نشان دهد ارسال‌کننده‌اش رتبه پایینی داشته است. اما ایلچی اجازه نداد چنین تصویری به وجود بیاید و به صدراعظم گفت، در صورت هر گونه تلاش برای این امر با وجود آداب مؤکد دربار ایران بلافاصله به شاه خواهد گفت که هدایایی که آورده نه باج و خراج است و نه پیشکش، آن‌طور که منشی او از روی بی‌مبالاتی نامیده، بلکه تحفه‌ها و عتیقه‌هایی است که فرماندار انگلیسی هند برای نشان دادن احترام و دوستی به شاه ایران فرستاده است. نتیجه آن شد که هدایای ما تحفه خوانده شدند و رفعت مقام فرماندار کل [هند] که در حکم پادشاه بود رعایت شد» (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۲۲-۲۲۱). هدایایی هم که شامل جواهرات می‌شدند و در مجالس شرفیابی همراه سفیر بودند، توسط صدراعظم از سفیر گرفته شده و بر روی اولین پله تخت شاهی گذاشته می‌شدند (جونز، ۱۳۸۶: ۲۵۰).

تشریفات اهدای هدایای شاه به سفرا (خلعت و نشان)

از رسوم و آئین‌های درباری که در این دوره اجراء می‌شد، این بود که در مراسم استقبال یا اندکی پس از ورود سفیر یا چند روز قبل از مرخص شدن سفیر، هدیه‌ای به رسم یادبود یا اظهار رضایت از اقدامات سفیر به او و هیئت همراهش داده می‌شد. این رسم که در میان مردم خاور

زمین ریشه باستانی داشت، در این دوره نیز به تقلید از دوره‌های گذشته و با توجه به نقش مهم که در روابط خارجی بین دولت‌ها داشت، از تشریفات خاصی برخوردار بود (سپهر، ۱۳۹۰: ۱/۲۴۷؛ موریه، ۱۳۸۵: ۱/۳۴۰).

از جمله هدایایی که در این دوره به سفرا داده می‌شد، خلعت بود که به‌عنوان جزئی از آداب مراسم سلام خاص محسوب می‌شد و صورت کامل آن عبارت بود از قبای زردوزی شده، کتی کوچک با شانه‌های خردار، یک کمر بند زربفت و کلاه پوست بره که شالی دور آن پیچیده می‌شد، به انضمام یک رأس اسب ترکمن مزین به زین و برگ گران‌بها. البته در زمانی که می‌خواستند خلعت متمایز باشد و امتیازی به سفیر بدهند، روی خلعت هدایی یک شمشیر یا خنجر مرصع می‌گذاشتند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸؛ دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۸-۲۹۶).

این خلعت‌ها که تهیه آنها بر عهده صندوقخانه سلطنتی بود، با تشریفات خاصی به سفرا اعطاء می‌شد. خلعت‌ها در حالی که با روپوش‌های سفید پیچیده شده بودند و شمشیر یا خنجری بر روی آن قرار داده شده بود، روی سینی‌های منقش که بر هر کدام کاغذی حاوی نام صاحب آن بود، در معیت رجال درباری و به دست افسران درباری حمل می‌شدند. پس از اهدای خلعت به صاحبش، یکی از رجال پس از خواندن فرمانی که از سوی شاه در مورد خلعت صادر شده بود، اعلام می‌کرد که اعلیحضرت این خلعت‌ها را به‌عنوان یادگاری و اظهار رضایت از سفیر به اعضای سفارت مرحمت فرموده است (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۸-۲۹۶؛ موریه، ۱۳۸۵: ۲/۲۴۹ و ۱۲۸). پس از اینکه سفرا خلعت هدایی پادشاه را دریافت می‌کردند، با احترام آن را بر سر نهاده و در اتاقی دیگر بر روی لباس‌های خود می‌پوشیدند. پس از بیرون آمدن از اتاق، هر کسی که سفیر را می‌دید، «مبارک باشد» می‌گفت. سپس سفیر با خلعتی که پوشیده بود، برای ادای احترام به حضور شاه شرفیاب می‌شد (موریه، ۱۳۸۵: ۲/۲۴۹؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۷۰).

با حضور سفیر در سلام خاص، ایشیک‌آقاسی‌باشی با صدای بلند به معرفی فرد خلعت‌گیرنده می‌پرداخت. به‌عنوان مثال به هنگام ورود ملکم به تالار شرفیابی در حالی که خلعت هدایی شاه را بر تن کرده بود، توسط رئیس تشریفات چنین معرفی گردید: «سروان ملکم بهادر، سفیر از جانب فرماندار کل هند ملبس به خلعتی که رأی مبارک اعلیحضرت بر آن قرار گرفته بود که به وی عطا شود، شرفیاب می‌شود» و پادشاه در پاسخ می‌گفت: «مبارک باد» (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۷۰).

اگر چه به‌رسم آیین‌های درباری، سفرا باید این خلعت‌ها را سه روز بر تن داشتند، لکن برخی از سفرا از روی اکراه و اجبار فقط یک روز آن را بر تن می‌کردند (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۷۰) یا از پوشیدن آن امتناع می‌ورزیدند؛ از جمله این افراد ژنرال گاردان و یرملوف بودند که

پوشیدن خلعت بر روی لباس خود را برخلاف آداب و رسوم کشورشان و تحقیری در حق پادشاه خود می‌دانستند و با این بهانه به‌ظاهر موجه، رسم دربار ایران را به‌راحتی زیر پا گذاشتند (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۶؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

از دیگر هدایایی که در این دوره، فتحعلی شاه به نمایندگان خارجی داد، می‌توان به مواردی چون بخشیدن اسب‌های خاصه سلطنتی که صرفاً برای رفت‌وآمدهای تشریفاتی در کشور استفاده می‌گردید (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۵۸)، «کاسات و آلات ذهب خالص» (سپهر، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۴۷)، اسلحه‌جات (بن‌تان، [بی‌تا]: ۱۰۳)، جواهرات (جونز، ۱۳۸۶: ۲۳۳)، گوشت شکار (موریه، ۱۳۸۵، ۱/ ۲۴۰)، اهدای کتب خطی ارزشمند و صورت‌های بزرگ نقاشی شده از شاه (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۸۷) اشاره کرد.

یکی از جنبه‌های مهم در تشریفات بین‌الملل، اعطای مدال و نشان دولت‌ها به مقامات و نمایندگان کشورهاست که به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک و فرهنگی می‌تواند نقشی مهم در تقویت و بهبود روابط بین‌المللی ایفاء کند. بیان احترام و ارادت، نمایش قدرت و شکوه سلطنت و ایجاد وفاداری در سفرا از مواردی بود که سبب شد حکومت قاجار در این دوره در مسیری هماهنگ با غرب، اقدام به ایجاد مدال‌ها و نشان‌هایی کند که اثری تقلیدی و ناکارآمد از سبک اروپایی بود و ظاهری برگرفته از سنت ایرانی داشت (دروویل، ۱۳۶۸: ۲۵۸؛ ملک، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۲۶-۸۲۵). در دوره فتحعلی شاه قواعد و قوانین تشریفاتی اعطای مدال و نشان به‌صورت اصولی وارد ایران نشده بود و همانند رسم خلعت و خلعت‌پوشان وابسته به خواست و سلیقه پادشاه بود. بنابراین، اقدام فوق که از پشتوانه معنوی مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری و کسب افتخار برخوردار نبود، به همراه عملکرد بدون ضابطه شاه قاجار در بذل و بخشش، عدم آشنایی دولت قاجار با اصول دیپلماتیک را به تصویر می‌کشید و باعث کاهش جایگاه شاه ایران در نظر سفرای خارجی می‌شد (سید بنکدار و کمالوند، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

اهدای نشان در دوره فتحعلی شاه قاجار در روابط دیپلماتیک از تأثیر به‌سزایی برخوردار بود؛ به‌طوری‌که به‌هنگام عقد قراردادهای نظامی و اقتصادی، جایگاه افراد را با نوع نشان‌های دلآوری او مشخص می‌کردند و در متن قراردادهایی که بین دولت‌ها بسته می‌شد، تمام آنها با نکته‌های جزئی آورده می‌شدند (موریه، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۳۹). در این دوره از جمله نشان‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گرفت، نشان مرصع «شیر و خورشید» بود که قبل از آن با عنوان نشان «خورشید» شناخته می‌شد و از روی «نشان لژیون دونور»^۱ فرانسه طراحی شده بود (رابی،

۱. بالاترین نشان افتخار فرانسه که در فارسی به آن «نشان شوالیه ادب و هنر» نیز گفته می‌شود.

۱۴۰۰: ۲۶) و به شکل‌های درجه یک و درجه دو به ژنرال گاردان و اعضای هیئت او اهداء شده بود (گاردان، ۱۳۶۲: ۶۳). فتحعلی شاه متعاقباً در پی آن بود تا نشان خورشید را به سر جان ملکم نیز اعطاء کند اما او قاطعانه از دریافت نشانی که برای منافع فرانسه تهیه شده بود، امتناع ورزید و باعث شد شاه در پی این مسئله نشان جدید «شیر و خورشید» را تدارک ببیند^۱ (رابی، ۱۴۰۰: ۲۶). این نشان که به فرمان فتحعلی شاه به تقلید از اقدام سلطان سلیم سوم در ایجاد نشان هلال احمر عثمانی طراحی شد، به‌عنوان «نیشان مهر و شیر» شناخته شد (لانگلس، ۱۳۸۹: ۱۶۸؛ سید بنکدار و کمالوند، ۱۴۰۰: ۱۹۳). ملکم اشاره می‌کند که این نشان، نشانی افتخاری از جنس طلا و نقره بود که نقش شیر و خورشید آن برگرفته از نمادهای باستانی ایران بود که طبق آئین مرسوم کشور از جانب پادشاه به سرداران و مقاماتی که در جنگ با دشمنان کشور به موفقیت‌هایی نائل می‌شدند، داده می‌شد (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۲۶-۸۲۵).

مراسم اعطای نشان معمولاً در آخرین دیدار که به‌منظور خداحافظی و سپاسگزاری تدارک دیده می‌شد، صورت می‌گرفت. در این مراسم سفیر و همراهانش در حالی که لباس مرحمتی را بر تن داشتند، به ورودی اقامتگاه شاه وارد می‌شدند. در این حین، یکی از وزیران به استقبال آمده و فرمان ملوکانه را دایر بر اعطای لقب یا درجه برای سفیر قرائت می‌کرد و نشان را در کلاه سفیر قرار می‌داد. پس از شرفیابی سفیر، شاه کسب درجه و نشان را به ایلچی تبریک می‌گفت و پس از ابراز خوشنودی از اقدامات سفیر دستور می‌داد که «نزدیک‌تر بیاید» (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۳۹-۲۳۸). ملکم که در مراسم تودیع خود موفق شده بود نشان خود را از شاه دریافت کند، شرح می‌دهد که: پس از فرمان شاه برای نزدیک‌شدن «به‌طرف تختی که شاه روی آن نشست» بود رفتیم. اعلیحضرت ستاره الماس‌نشان را برداشت و به کت ایلچی نصب کرد» (ملکم، ۱۳۹۶: ۲۳۹). این نشان به نمایندگان خارجی و سیاحان عالی‌رتبه نیز داده می‌شد که طبق رسوم درباری باید به هنگام حضور در دربار آن را بر سینه خود نصب می‌کردند. گاهی برخی از سفرا از پذیرش آن امتناع می‌ورزیدند و باعث ایجاد ناراحتی و کدورت شاه می‌گردیدند؛ از جمله این سفیران سر هارفورد جونز بود که بنا به دلایلی چون ارتباط این نشان با فرانسویان، مجموعه عواملی که باعث به وجود آمدن آن شده بود و همچنین به خاطر اشخاصی که قبل از او آن را دریافت کرده بودند، از پذیرش آن خودداری کرد و باعث شد فتحعلی شاه فرمان دیگری صادر

۱. دروویل شخص عباس میرزا را مشوق فتحعلی شاه در برقراری نشان شیر و خورشید می‌داند و اعلام می‌کند: «ملکم که بدون شک تصور می‌کرد این نشان منحصرأ به خاطر او ابداع شده است، وقتی فهمید ولیعهد قبلاً این نشان را به من اعطاء کرده است، مکدر شد و اظهار کرد که از این نشان هیچ‌وقت استفاده نخواهد کرد» (دروویل، ۱۳۶۸: ۲۸۵).

کند که بر اساس آن به جونز اختیار داده شده بود که این نشان را در میان نشان‌های خود بگنجانند (جونز، ۱۳۸۶: ۲۳۱). از سویی دیگر، شکست‌های ایران در نبرد با روس باعث شد که سفرای برخی کشورها از جمله روس‌ها برای تحقیر ایرانیان، از پذیرش و دریافت نشان از دربار ایران خودداری کنند. سیمونیچ وزیرمختار روسیه و هیئت همراهش به هنگام شرفیابی برای کسب اجازه مرخصی، علیرغم اینکه از آنها خواسته شده بود نشان‌های اعطایی خود را بر سینه نصب نمایند، اما هیچکدام از آنها نشان را با خود به همراه نداشتند. این اقدام اگر چه حاکی از بی‌احترامی آنها به رسوم ایرانی بود و باعث رنجش خاطر شاه گردید،^۱ لکن وزیرمختار علت این کار را اینگونه بیان کرد که نمی‌تواند بدون اجازه رسمی امپراتور خود این رسم دربار ایران را رعایت کند! (کمبل، ۱۳۸۴: ۲۴۷/۱-۲۴۴).



نشان شیر و خورشید اهدایی به سر جان مک‌دونالد^۲ (رابی، ۱۴۰۰: ۴۳).

عهدنامه ترکمانچای و تأثیر آن بر تشریفات پذیرش سفرا

تشریفات استقبال از سفرا در دربار فتحعلی شاه تحت تأثیر روابط سیاسی و دیپلماتیک روز با تغییراتی مواجه شد و به‌خصوص از عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ق.) تأثیر جدی پذیرفت. در دوران پیش از این قرارداد، اگر چه روابط بین ایران و روسیه تحت تأثیر جنگ و رقابت‌های

^۱ به‌طوری‌که فتحعلی شاه با عصبانیت اعلام می‌کند: «همین قبیل اعمال است که دائم تکرار می‌شود و باعث این‌همه نفرت او و مردم از روس‌ها شده است» (کمبل، ۱۳۸۴، ۲۴۶/۱).

^۲ این نمونه از نشان شیر و خورشید به پاس خدمات سر جان مک‌دونالد در جهت کاهش غرامت عهدنامه ترکمانچای اهداء شد. فتحعلی شاه تمایل داشت چنین افتخاری را به جان مک‌نیل دستیار جوان وی نیز اهداء کند، اما مک‌دونالد به خاطر رتبه و جایگاه وی به مخالفت پرداخت (رابی، ۱۴۰۰: ۴۲).

بین‌المللی بود، اما دربار قاجار همواره تلاش می‌کرد با پذیرایی باشکوه از سفرای روسیه نشان دهد که آمادگی لازم برای کاستن از تنش‌ها و حفظ روابط مثبت را دارد. روس‌ها نیز در مجموع در جهت منافع خود، در ظاهر به حساسیت‌های درباریان ایرانی احترام نسبی می‌گذاشتند. اما پس از امضای قرارداد ترکمانچای، این شرایط تغییر کرد (خسروی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲۶). دولت روسیه که طی این معاهده به اهداف سیاسی خود رسیده بود، برای مأمورینش علاوه بر حق کاپیتولاسیون، اختیارات و احتراماتی را خواستار بود که با تشریفات دربار ایران مغایرت داشت و از آنجا که فصل نهم قرارداد ترکمانچای به این موضوع پرداخته بود، لذا قراردادی را تحت عنوان پیوست تشریفاتی عهدنامه ترکمانچای با دولت ایران منعقد کردند که بر چند مسئله حائز اهمیت تشریفاتی تأکید داشت. این عهدنامه که در مورد آداب و رسوم تشریفات درباری در زمینه استقبال از سفرا و تشریفات حضور در دربار نوشته شده بود، ضمن اشاره بر توافقات تشریفاتی بین‌المللی، خواست و توقعات سفرای روس را تحقق می‌بخشید. بر اساس قرارداد فوق، روس‌ها برخی از رسوم تشریفاتی دربار قاجار را که اجبار و التزامی خفت‌بار برای خود می‌دانستند، حذف کردند (عهدنامه ایران و روس در باره امور تشریفات، [بی‌تا]: ۱۱۱-۱۰۷).

اما با وجود این معاهده، اختلاف تشریفاتی ایران با روس نه‌تنها حل نشد، بلکه دستخوش مسائل جدید گردید. به واسطه اینکه روس‌ها خود را در جایگاه بالاتری نسبت به ایران و سایر رقبا می‌دانستند، به مفاد قرارداد مذکور عمل نمی‌کردند و این مسئله منجر به سوءتفاهم یا تنش می‌شد. مروزی در شرحی از شرفیابی گریبایدوف، نخستین سفیر روسیه که بعد از قرارداد ترکمانچای آمده بود، بیان می‌کند: «امنای ایران تا حد امکان با احترام شایان او را از حدود مرز بدربار طهران هدایت نمودند و پس از سه روز توقف [با] ضراعت^۱ [به] دربار احضار شد! [...] در هنگام احضار به دربار نیز سردی و خشونت و بی‌ادبی را از خود نشان داد، [او] وزیر امور خارجه، آنچه نصیحت مشفقانه باو نمود که ادب را رعایت کند، وقعی نگذارد و در دربار شاه، رفتاری جسارت‌آمیز از خود ظاهر ساخته، در آن مجلس، هر چند امراء خواستند [که] با اشاره، او را از حرکت وحشیانه بازدارند، سودی نکرده، اغلب امنای دربار، این رفتار او را دستور [از طرف روسیه] دانستند. در صورتیکه نظیر این خوی- کمی خفیف‌تر در سایر سران روسیه- جمعاً وجود داشت» (مروزی، ۱۳۶۹: ۲۹۱).

^۱. فروتنی

از سویی دیگر با توجه به این قرارداد، سایر کشورهای اروپایی نظیر انگلستان و فرانسه نیز در صدد برآمدند تا امتیازاتی نظیر آنچه روس‌ها به دست آورده بودند، کسب کنند و در این خصوص از روس‌ها عقب نمانند (فلاندن، ۱۳۵۷: ۵۰). بنابراین، معاهده ترکمانچای علاوه بر اینکه نفوذ سیاسی و نظامی ایران را تضعیف کرد، از لحاظ معنوی نیز دربار قاجار را با مشکل مواجه کرد (محمود، ۱۳۵۳: ۱/۳۱۶). دربار قاجار در واکنش به این شرایط و برای اینکه به روس‌ها برتری خاصی ندهد، امتیازات روس‌ها را به سفرای سایر کشورها هم تعمیم داد؛ در حالی که با این کار از شأن و شوکت شاه قاجار کاسته می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۹).

بنابراین، تشریفات پذیرش سفرا در سال‌های پایانی حکومت فتحعلی شاه به دنبال اوضاع اقتصادی نامطلوب، تشدید بحران مشروعیت و عهدنامه ایران و روس در باره امور تشریفاتی رو به سستی نهاد و شکوه و تجمل خود را از دست داد. فریزر که به‌عنوان نماینده دولت انگلستان در سال‌های پایانی حکومت فتحعلی شاه (۱۲۴۹ق. / ۱۸۳۳م.) به حضور شاه ایران رسید، با اشاره به پائین آمدن کیفیت تشریفات دربار بیان می‌کند تا زمانی که اعلیحضرت آماده بار دادن به ما باشد در دفتر صندوقدار (قسمتی از دستگاه صدراعظم) نشستیم: «از سرپای اطاق نکبت و ادبار می‌بارید [...] پنجره‌هایش شکسته و پوشیده از تار عنکبوت و گردوخاک بود. [...] سرانجام از میرزا ابوالحسن خان که به‌عنوان وزیر امور خارجه برای معرفی بیگانگانی که به حضور شاهانه شرفیاب می‌شود پیامی رسید که شاه ما را خواسته است، پس با لباس تمام‌رسمی و جورابه‌های سرخ به راه افتادیم تا چشممان از نور شاهانه روشن گردد. اکنون معرفی شدن اشخاص به شاه ایران چنان امری عادی شده است که چندان شایسته توصیف نیست» (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۴۰-۱۳۹).

نتیجه‌گیری

حکومت‌های ایرانی، درباری با تشریفات ویژه برای به حضور پذیرفتن بارخواهان و نمایندگان کشورهای خارجی نزد پادشاه زمان ترتیب داده و با ایجاد تشکیلات منسجم و تعلیم و تربیت صاحب‌منصبان مرتبط در این راستا گام برمی‌داشتند. در دوره فتحعلی شاه قاجار با افزایش ارتباطات رسمی خارجی، نظام تشریفات دیپلماتیک توسعه بیشتری یافت. تشریفات پذیرایی از سفرا در دربار فتحعلی شاه قاجار برگرفته از اصول و مبانی به کار برده شده در حکومت‌های قبلی به‌ویژه صفویه بود که مضامین ملی، شرعی و دینی، خرافات و اهداف سیاسی در تعیین چارچوب‌های آن نقش اساسی داشتند. این تشریفات علاوه بر اینکه آداب و رسوم و سنن دربار ایرانی را بازتاب می‌داد، به‌عنوان ابزاری کارآمد در دیپلماسی و تقویت روابط بین‌المللی

محسوب می‌شد که در صورت اجرای درست آن می‌توانست با نمایش قدرت و بزرگی سلطنت قاجار و همچنین تقویت هویت ملی نقشی مهم را در دیپلماسی حکومت قاجار ایفاء کند. اجراء و ادامه مراسم سنتی دربار ایرانی در استقبال و پذیرش سفرای خارجی مستلزم وجود حکومت مقتدر و مستقل از نفوذ خارجی در ایران بود، اما با ورود قدرت‌های استعماری مداخله‌جو به عرصه سیاسی ایران و عدم آشنایی دولتمردان قاجار با آداب دیپلماتیک بین‌المللی و ناتوانی آنها در پیشبرد سیاست خارجی مستقل، تشریفات درباری سنتی ایران با چالش جدی مواجه گردید، تا جایی که این عرصه به دست‌مایه‌ای برای قدرت‌طلبی، چانه‌زنی و رقابت‌جویی نمایندگان خارجی تبدیل شد و درباریان قاجاری را از اجرای یکسان و یک‌شکل مراسم باریابی برای سفرای خارجی عاجز ساخت.

یکی از مهم‌ترین عواملی که تشریفات پذیرش سفرا را در دوره فتحعلی شاه تحت‌تأثیر قرار داد، نتیجه جنگ‌های ایران و روس و عهدنامه ترکمانچای بود که تأثیر عمیقی بر دیپلماسی و تعاملات ایران گذاشت. به‌طوری‌که با توجه به عهدنامه تشریفات که بین روس و ایران نوشته شد، پروتکل‌های جدیدی در پذیرش سفرا وضع شد که بافت سنتی آداب و تشریفات دربار ایران را دچار تغییراتی کرد. این مسئله در کنار ضعف و سستی فتحعلی شاه و بحران‌های پیاپی حکومت قاجار در اواخر سلطنت وی باعث شد که امور تشریفات پذیرش سفرا رو به سستی نهاده و شکوه و تجمل خود را از دست بدهد.

منابع و مأخذ

فارسی

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۵۷، *صدرالتواریخ*، به‌کوشش: محمد مشیری، تهران: روزبهان.
- آقازاده، جعفر و شبنم موسی‌نسب، ۱۴۰۳، «آداب و تشریفات باریابی به دربار فتحعلی شاه قاجار»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ج ۱۶، شماره ۶۰، صص ۳۷-۱۱.
- آوری، پیترو و همکاران، ۱۳۸۸، *تاریخ ایران (دوره افشار، زند و قاجار)* از مجموعه تاریخ کمبریج، ترجمه: مرتضی ناقب‌فر، تهران: جامی.
- تیموری، ابراهیم، ۱۳۹۲، *تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار*، تهران: سخن.
- آنه، کلود، ۱۳۷۰، *گل‌های سرخ اصفهان (ایران با اتومبیل)*، ترجمه: فضل‌الله جلوه، تهران: روایت.
- اولیویه، گیوم آنتوان، ۱۳۷۱، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه: محمدطاهر میرزا، به‌تصحیح: غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.
- بارنز، آکس، ۱۳۷۳، *سفرنامه بارنز (سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار)*، ترجمه: حسن سلطانی‌فر، مشهد: آستان قدس رضوی.

- بن تان، آگوست، [بی تا]، *سفرنامه بن تان*، ترجمه: منصوره اتحادیه، [بی جا]: [بی نا].
- پولاک، یاکوب اودارد، ۱۳۶۸، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه: کیکائوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، زی. ام، ۱۳۸۳، *نامه‌هایی در باره ایران و ترکیه آسیا*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- ترزل، آلفونس، ۱۳۶۱، *یادداشت‌های ژنرال ترزل در سفر به ایران*، ترجمه: عباس اقبال، تهران: یساولی.
- جونز، هارفورد، ۱۳۸۶، *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان*، ترجمه: مانی صالحی، تهران: ثالث.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله، ۱۳۸۰، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲ و ۱، به تصحیح: ناصر افشارفره، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خسروی زاده، صباح، ۱۴۰۰، *تشکیلات و آداب دیپلماتیک در ایران از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری*، تهران: وزارت امور خارجه.
- دروویل، گاسپار، ۱۳۶۸، *سفر در ایران*، ترجمه: منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویز.
- دوکوتربوته، موریس، ۱۳۶۵، *مسافرت به ایران دوره فتحعلی شاه قاجار*، ترجمه: محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- دوگوبینو، ژوزف آرتور، ۱۳۸۳، *سه سال در آسیا (سفرنامه کنت دوگوبینو)*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ‌مه‌دوی، تهران: قطره.
- رابی، جولین، ۱۴۰۰، *پرتله‌های سلطنتی قاجار*، ترجمه: علیرضا بهارلو، تهران: دانیار.
- رایت، دنیس، ۱۳۵۷، *انگلیسیان در ایران (در روزگار پادشاهان قاجار)*، ترجمه: غلامحسین صدیقی افشار، تهران: دنیا.
- ژوبر، پیرامده، ۱۳۴۷، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه: علیقلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سیمهر، محمدتقی، ۱۳۹۰، *ناسخ‌التواریخ قاجاریه*، به کوشش: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- سید بنکدار، مسعود و مهناز کمالوند، ۱۴۰۰، *بررسی نظام تشریفات و آداب دیپلماتیک در ایران عصر قاجار*، تهران: وزارت امور خارجه.
- عهدنامه ایران و روس در باره امور تشریفات*، نسخه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره ۱۳۹۳.۰۴.۰۳۸۲۹/۱۹
- فریزر، جیمز بیلی، ۱۳۶۴، *سفرنامه فریزر (سفر زمستانی)*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلاندن، اوژن، ۱۳۵۷، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه: حسین نور صادقی، تهران: انشراقی.
- کمبل، جان، ۱۳۸۴، *دو سال آخر (یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیسی در دربار ایران سال‌های ۱۸۳۴-۱۸۳۳)*، ج ۱، ترجمه: ابراهیم تیموری، تهران: دانشگاه تهران.
- گاردان، آلفردو، ۱۳۶۲، *خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه: عباس اقبال، تهران: نگاه.
- لانگلس، لویی، ۱۳۸۹، *ایران فتحعلی شاهی*، ترجمه: ع. روح‌بخشان، تهران: کتاب روشن.
- محمود، محمود، ۱۳۵۳، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، ج ۱، تهران: اقبال.
- مروزی، محمدصادق، ۱۳۶۹، *تاریخ جنگ‌های ایران و روس*، به تصحیح: امیر هوشنگ آذر، تهران: [بی نا].
- ملکم، جان، ۱۳۸۰، *تاریخ کامل ایران*، ج ۲، ترجمه: اسماعیل حیرت، به تصحیح: مهدی قمی، تهران: افسون.
- ، ۱۳۹۶، *نماهایی از ایران (از یادداشت‌های مسافری در شرق)*، ترجمه: شهلا طهماسبی، تهران: فقتوس.
- موریه، جیمز، ۱۳۵۴، *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*، ترجمه: حبیب اصفهانی، به کوشش یوسف رحیم‌لو، تهران: حقیقت.
- ، ۱۳۸۵، *سفرنامه جیمز موریه*، ج ۲ و ۱، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- واتسن، رابرت گرانت، ۱۳۴۰، *تاریخ ایران (از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸)*، ترجمه: غ. وحیدمازندرانی، تهران: امیرکبیر.
- هاردینگ، آرتور، ۱۳۷۰، *خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ*، ترجمه: جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: کیهان.
- هالینگبری، ویلیام، ۱۳۶۳، *روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران*، ترجمه: امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۸۰، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، ج ۹، به تصحیح و تحشیه: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

لاتین

Aitchison, C.U, 1865, *a Collection of Treaties, Engagements, and Sunnuds Relating to India and Neighboring Countries*, Calcutta: Cutter, Military Orphan Press.

Buckingham, James Silk, 1829, *Travels in Assyria, Media and Persia*, London: Henry Colburn.

Ker Porter, Robert, 1821, *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonya, During the Years, 1817, 1818, 1819 and 1820*, London: Hurst.

Ouseley, Sir William, 1823, *Travels in Various Countries of the East More Particularly Persia*, London: Rodwell and Martin.

Reynolds, James, 1846, *Memoir of the late Right Hon. Sir Gore Ouseley, baronet*, London: Harison & co.

Waring, Edward Scott, 1807, *A Tour to Shiraz by the Route of Kazroon and Feerozabad*, London : Strand.